

تفسیر تربیتی به مثابه رشته علمی؛ در جستجوی گونه‌شناسی

شمول‌گرایانه و جامع از تفسیر تربیتی

مقصود امین خندقی*

فاطمه سادات جعفرنیا**

چکیده

با طرح موضوع «تفسیر تربیتی» در دهه‌های اخیر در عرصه علوم حوزوی و علوم تربیتی، آثار متعددی درباره انواع و طبقه‌بندی آن نگاشته شده است؛ ولی تاکنون هیچ‌یک از این آثار، به صورت اختصاصی به بررسی گونه‌شناسی‌ها و انواع تفسیر تربیتی به طور همه‌جانبه نپرداخته است. این پژوهش با هدف بررسی انواع مختلف تفسیر تربیتی و ارائه طبقه‌بندی مفهومی شمول‌گرایانه و جامع به منظور معرفی تفسیر تربیتی به عنوان یک رشته علمی انجام شد. تحقق این هدف، طی دو مرحله اصلی، پیگیری شد: در مرحله نخست، دیدگاه‌های موجود درباره انواع تفسیر تربیتی احصاء، شرح، نقد و بازنگری شدند؛ در مرحله دوم، پس از ارائه طبقه‌بندی‌های جدید، از طریق باهم‌نگری طبقه‌بندی‌های جدید و بازنگری طبقه‌بندی‌های موجود به ارائه گونه‌شناسی جامع و شمول‌گرایانه از تفسیر تربیتی براساس معیارهای متعدد اقدام شد. سرانجام، براساس سه شاخصه اساسی هر رشته علمی - غایت، موضوعات و مسائل، و روش - تفسیر تربیتی به مثابه یک رشته علمی مطرح می‌شود که براساس سه شاخص یادشده، گونه‌شناسی شمول‌گرایانه و جامع جدید و متمایز دیگری از تفسیر تربیتی ارائه شد. این پژوهش می‌تواند با نمایاندن افق‌ها و اضلاع و برداشت‌های جدید از تفسیر تربیتی، سمت و سوی جدیدی در حوزه‌های پژوهشی و آموزشی ایجاد کند.

واژگان کلیدی: تفسیر تربیتی، گونه‌شناسی، طبقه‌بندی، نظریه‌پردازی، علم دینی، رشته علمی.

* مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشیار گروه مطالعات برنامه درسی (نویسنده مسئول)
aminkhandaghi@ferdowsi.um.ac.ir

f.s.jafarnia@mail.um.ac.ir

** دانشجوی دکتری رشته برنامه درسی دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۲۸ تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۸/۲۴

* این مقاله مستخرج از گزارش پژوهشی با عنوان «چیستی و ماهیت تفسیر تربیتی و...» است که با حمایت پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد انجام شده است.

بیان مسئله

قرآن حقیقتی آسمانی است که برای هدایت همه‌جانبه انسان در مسیر سعادت دنیا و آخرت نازل شده است. این دستاویز محکم الهی توانسته در طول تاریخ پرفراز و نشیب اسلام، مسلمانان را در محور خود نگه دارد (اسعدی و سعیدی‌روشن، ۱۳۸۹، ص ۷). تعلیم و تربیت نیز همواره از دغدغه‌های بزرگ بشر بوده و عالمان این عرصه درصدد تعیین خط‌مشی تربیتی برای جوامع بشری بوده‌اند (خیام، ۱۳۸۹)؛ و از سویی دیگر انسان موضوع تربیت در قرآن است (عطایی، ۱۳۹۰) و قرآن رسالت تعلیم و تربیت انسان را به عهده دارد و هر مفسر، پژوهنده و مربی که بدان روی آورد، به‌گونه‌ای راهی به شناساندن نظام تربیتی قرآن می‌جوید و به فراخور فهم و توانش به تبیین دیدگاه‌های تربیتی این کتاب آسمانی دست می‌یابد (سجادی، ۱۳۷۸).

تفسیر قرآن، گرایش‌های مختلفی دارد که گاه با عناوینی چون تفسیر کلامی، تفسیر تربیتی، تفسیر اخلاقی و... معرفی می‌شود (شاگرد، ۱۳۸۱، ص ۱۴۶). تفسیر تربیتی یکی از گرایش‌های تفسیری است که طبق بررسی‌ها، مدتی است در ادبیات رشته‌های علوم قرآنی و علوم تربیتی وارد شده است. البته المنار، تفسیر المراغی، فی ضلال قرآن و چند مورد دیگر کتبی هستند که در آنها نکته‌های تربیتی و هدایتی مطرح شده است؛ ولی کاربرد لفظ تفسیر تربیتی اختصاص به چند سال اخیر دارد (اعرافی، ۱۳۹۳، ص ۳۹). این گرایش نزدیک‌ترین رویکرد به اغراض و مقصد قرآن کریم و ضروری‌ترین عرصه عرضه معارف قرآنی است که در بستر آن شکوفه‌های تربیت قرآنی و عمل روحانی به بار می‌نشینند و انسانی در تراز رفتار و حیوانی شکل می‌گیرد (اسعدی، ۱۳۹۴). شاید تا به حال هیچ کتابی به اندازه قرآن کریم شرح و تفسیر نشده است؛ با وجود این، هنوز عناصر اصلی دخیل در تفسیر و گرایش‌های تفسیری در یک نظام منسجم تعریف نشده و مهم است که مباحث تفسیری از نظر ماهوی روشن شود تا بتوان طبقه‌بندی دقیق و جامعی ایجاد کرد. یکی از موضوعاتی که در سالیان اخیر مورد توجه قرآن‌پژوهان قرار گرفته، بررسی روش‌ها و گرایش‌های تفسیری است (رضاداد، ۱۳۸۸).

در دهه‌های اخیر و پس از طرح موضوع تفسیر تربیتی در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی و علوم حوزوی، کتاب‌ها و مقاله‌هایی چند در باب آن نوشته شده است. در این آثار به زوایای مختلفی از تفسیر تربیتی، مانند تعریف، قلمرو، روش‌ها و... پرداخته شده است. برخی از منابع به بحث انواع تفسیر تربیتی پرداخته‌اند که در پژوهش‌های مختلف با نام‌های گوناگونی مانند دیدگاه‌ها، اسلوب‌ها، رویکردها، سبک‌ها، گونه‌های تفسیر تربیتی بیان شده است. برای نمونه، در میان منابعی که به انواع‌شناسی تفسیر تربیتی پرداخته‌اند به این آثار می‌توان اشاره کرد: اسعدی (۱۳۹۴) در بخشی از رساله خود با عنوان مدل روش تفسیر تربیتی، تحت موضوع سبک‌های تفسیر تربیتی به

تفسیر تربیتی ترتیبی (مصحفی-تزیلی) و موضوعی (درون‌متنی-برون‌متنی-تلفیقی) اشاره کرده است. در پژوهشی با عنوان جریان‌شناسی گرایش تربیتی در تفاسیر قرآن، تحت عنوان گونه‌های تفسیر تربیتی، سه‌گونه تفسیر تربیتی ترتیبی، موضوعی و پژوهش تطبیقی مطرح شده است (کاظمی، ۱۳۹۲). اعرافی (۱۳۹۳) در کتاب درآمدی بر تفسیر تربیتی از روش‌شناسی تفسیر تربیتی و جغرافیای تفسیر تربیتی سخن گفته است. در مقاله «قلمرو تفسیر تربیتی» به بیان دو دیدگاه حداکثری و حداقلی و دیدگاه برگزیده در تفسیر تربیتی پرداخته شده است (ناظقی، ۱۳۸۷).

هاشمی علی‌آبادی (۱۳۹۲) چهار رویکرد تفسیر تربیتی حداقلی، حداکثری، برون‌متنی ۱ و ۲ را بحث کرده است. افزون‌براین، در پژوهش «روش‌شناسی تفسیر تربیتی قرآن»، به انواع تفسیر تربیتی ترتیبی، موضوعی (شامل: درون‌متنی، برون‌متنی)، میان‌رشته‌ای، تطبیقی و تلفیقی پرداخته شده است (احسانی و بناری، ۱۳۸۷). هیچ‌یک از این دسته آثار که نمونه‌هایی از آن طرح شد، به‌صورت اختصاصی به بررسی گونه‌شناسی‌ها و انواع تفسیر تربیتی به‌طور جامع و همه‌جانبه پرداخته است؛ ازاین‌رو جای چنین پژوهشی در ادبیات موضوعی این حوزه خالی است و این پژوهش قصد دارد در راستای رفع این خلأ گام بردارد.

در اهمیت انجام این پژوهش می‌توان به سامان‌بخشی اطلاعات این قلمرو مطالعاتی و خروج آن از آشفتگی اشاره کرد؛ زیرا بیشتر آثار این حوزه به‌صورت معیارمند و جامع، نظم نیافته است. همچنین، به‌دلیل توجه به ابعاد گوناگون و افق‌های جدید تفسیر تربیتی، این پژوهش به رشد ادبیات آن منجر می‌شود. افزون‌براین، هرچند درباره تفسیر تربیتی پژوهش‌های گوناگونی انجام شده است، ولی همان‌گونه که اشاره شد پژوهشی وجود ندارد که به‌طور شمول‌گرایانه و دقیق این گونه‌ها را بررسی و شناسایی کند؛ ازاین‌رو رسالت اصلی این پژوهش آن است که گونه‌شناسی جامعی از تفسیر تربیتی ارائه دهد که این امر می‌تواند در حکم راهنمایی برای ذی‌نفعان این حوزه باشد. مدرسان می‌توانند نتایج این پژوهش را به‌عنوان چارچوبی برای تدریس خود قرار دهند. پژوهشگران و علاقه‌مندان نیز می‌توانند زوایای جدید طرح‌شده در این نوشتار را برای پژوهش‌های خود مبنا قرار دهند. همچنین، نظریه‌پردازان می‌توانند بستر رشد تعالیم اسلامی و تولید علم اسلامی به‌ویژه در حوزه علوم تربیتی را با آن فراهم کنند.

برای نیل به این منظور، یعنی ارائه گونه‌شناسی جامع از تفسیر تربیتی، در این اثر دو مرحله اصلی تعریف شده است: نخست، طبقه‌بندی‌های موجود از تفسیر تربیتی که از منابع مختلف احصاء شده است و در دو گام بحث و بررسی می‌شود؛ در گام اول، طبقه‌بندی‌های موجود از انواع تفسیر تربیتی بدون دخل و تصرف توصیف می‌شود و در گام دوم، این طبقه‌بندی‌ها از زوایای مختلفی نقد و بازاندیشی می‌شود؛ مرحله بعد در سه مقام ارائه شده است: در مقام اول به

گونه‌شناسی تفسیر تربیتی در قالب طبقه‌بندی‌های جدید پرداخته می‌شود. در این مرحله تلاش می‌شود تا گونه‌شناسی جدید و شمول‌گرایانه از انواع تفسیر تربیتی براساس معیارهای مصرح و دقیق و با نظر به جنبه‌های گوناگون این پدیده ارائه شود؛ در مقام دوم طبقه‌بندی‌های موجود و گونه‌شناسی جدید از تفسیر تربیتی، در قالب باهم‌نگری اشاره می‌شود. در این قسمت تلاش شده تا این دو مقام، به صورت شماتیک در کنار یکدیگر قرار گیرند تا از اختصار و گویایی زیادی برخوردار باشند و مخاطبان را با سرعت و دقت بیشتری به طبقه‌بندی‌های موجود و گونه‌شناسی جدید تفسیر تربیتی و تفاوت‌های آنان رهنمون کنند؛ بخش انتهایی (مقام سوم) این نوشتار نیز به معرفی تفسیر تربیتی به مثابه یک دانش اختصاص یافته است. در این قسمت تلاش می‌شود تفسیر تربیتی به‌عنوان یک قلمرو مطالعاتی معرفی و سامان‌دهی شود که ابعاد و وجوه گوناگونی دارد و در پایان به بحث و نتیجه‌گیری پرداخته می‌شود.

بررسی طبقه‌بندی‌های تفسیر تربیتی

بررسی طبقه‌بندی‌های تفسیر تربیتی، در دو مقام یعنی بررسی طبقات موجود بدون دخل و تصرف و بازانندیشی دیدگاه‌های موجود بحث و بررسی می‌شود.

مرحله اول) بررسی طبقات موجود بدون دخل و تصرف: در این مقام، طبقه‌بندی شارحان از تفسیر تربیتی، آن‌گونه که هست و بدون دخل و تصرف ترسیم می‌شود. به این منظور، طبقه‌بندی شارحان مختلف احصاء و در جدول شماره یک اشاره می‌شود:

جدول ۱: طبقه‌بندی تفسیر تربیتی بدون دخل و تصرف

شارح	انواع تفسیر تربیتی
ناطق (۱۳۸۷)	دیدگاه حداکثری / دیدگاه حداقلی
هاشمی علی‌آبادی (۱۳۹۲)	دیدگاه حداکثری / دیدگاه حداقلی / دیدگاه برون‌متنی ۱ / دیدگاه برون‌متنی ۲
احسانی / بناری (۱۳۸۷)	ترتیبی (فردی، گروهی) / موضوعی: شامل درون‌متنی و برون‌متنی / میان‌رشته‌ای / تطبیقی / تلفیقی
کاظمی (۱۳۹۲)	ترتیبی / موضوعی / پژوهش تطبیقی
صالحی (۱۳۸۸)	پژوهش تطبیقی / ترتیبی / موضوعی شامل: گردآوری و طبقه‌بندی شرح و تفسیر آیات تربیتی، مواجهه درون‌متنی، مواجهه برون‌متنی
اسعدی (۱۳۹۴)	عام و اعم، خاص و اخص / ترتیبی (مصحفی-تزیلی) / موضوعی (درون‌متنی-برون‌متنی-تلفیقی)

وجود پاره‌ای از ویژگی‌ها در طبقه‌بندی‌های موجود منجر شد که این طبقه‌بندی‌ها، بازانندیشی شوند. یکی از این ویژگی‌ها، نبود معیار مصرح برای طبقه‌بندی است. با بررسی آثار، آشکار شد که نویسندگان به‌طور مشخص به معیار خود برای طبقه‌بندی انواع تفسیر تربیتی اشاره نکرده‌اند.

همین مسئله باعث شده است که تمام دیدگاه‌ها ذیل یک طبقه‌بندی، قسیم هم نباشند و از یک معیار ثابت پیروی نکنند. برای نمونه، چهار دیدگاه هاشمی علی‌آبادی (۱۳۹۲) از دو معیار پیروی می‌کند. افزون‌براین، میزان تکرار انواع تفسیر تربیتی، زیاد و به‌طور عمده انواع خاصی در طبقه‌بندی‌های مختلف مطرح و تکرار شده و گاه مفاهیم مشترک، عناوین متفاوتی به خود گرفته است؛ برای نمونه، تفسیر تربیتی عام و اعم که از نظر مضمون، مشابه تفسیر تربیتی حداکثری و حداقلی است. این نابسامانی‌ها در ترسیم بدون دخل و تصرف وضعیت موجود منجر شد تا نویسندگان بر آن شوند که در مقامی دیگر به بازاندیشی طبقه‌بندی‌های موجود بپردازند.

مرحله دوم) بازاندیشی دیدگاه‌های موجود: پس از اینکه طبقه‌بندی‌های موجود تفسیر تربیتی، بدون دخل و تصرف توصیف شدند، به بازاندیشی این طبقه‌بندی‌ها با توجه به نقدهایی پرداخته می‌شود که اشاره شد. برای سامان‌بخشی به وضعیت موجود، تمام انواع تفسیر تربیتی از منابع گوناگون احصاء و با بررسی‌های دقیق، معنای موردنظر شارح و معیار هر طبقه‌بندی تعیین شد. به‌دلیل اینکه غالباً در یک طبقه‌بندی، بیش از یک معیار وجود داشت، طبقه‌بندی‌ها بررسی و سرانجام آشکار شد که می‌توان سه طبقه‌بندی با سه معیار متفاوت از تفسیر تربیتی ارائه کرد؛ از این‌رو این معیارها مبنای طبقه‌بندی قرار گرفتند که در ادامه شرح داده می‌شوند:

معیار شمول آیات: دغدغه اصلی این معیار آن است که آیا تفسیر تربیتی، با همه آیات قرآن سروکار دارد یا اینکه تنها برخی از آیات را شامل می‌شود؟ این معیار در برخی از طبقه‌بندی‌های موجود شامل تفسیر تربیتی موضوعی و ترتیبی (احسانی و بناری، ۱۳۸۷؛ صالحی، ۱۳۸۸؛ کاظمی، ۱۳۹۲؛ اسعدی، ۱۳۹۴)، تفسیر تربیتی حداقلی و حداکثری (ناطق، ۱۳۸۷؛ هاشمی علی‌آبادی، ۱۳۹۲) و تفسیر تربیتی عام و اعم (اسعدی، ۱۳۹۴) مطرح شده است. با بررسی تعاریف این طبقه‌بندی‌ها که نام‌های مختلفی نیز به خود گرفته است، آشکار شد که همه آنها از معیار شمول آیات پیروی می‌کنند و تفاوت ماهوی و اساسی با یکدیگر ندارند. در حقیقت، ذیل معیار شمول می‌توان به یک طبقه‌بندی شامل دوگونه تفسیر تربیتی موضوعی و ترتیبی اشاره کرد. و طبقه‌بندی‌های دیگر (شامل حداکثری و حداقلی و تفسیر تربیتی عام و اعم) بیان‌کننده تفسیر تربیتی موضوعی و ترتیبی هستند؛ از این‌رو در ادامه و براساس معیار اصلی این طبقه‌بندی می‌توان به دوگونه اصلی اشاره کرد:

۱. **تفسیر تربیتی ترتیبی:** این طبقه به معنای آن است که همه آیات قرآن، مضمون تربیتی دارند و از این‌رو تفسیر تربیتی، همه آیات قرآن را شامل می‌شود؛ ولی در مقام عمل، مفسر باید به ترتیبی خاص از ابتدای قرآن تا انتهای آن و یا به‌ترتیب نزول آیات، مبادرت به تفسیر قرآن نماید. در ادامه تعاریف شارحان از این‌گونه بررسی می‌شود. احسانی و بناری (۱۳۸۷) بر این باورند که تفسیر

ترتیبی هنگامی است که کارشناسان و مفسران، طرحی را برای تفسیر تربیتی همه قرآن به ترتیب قرآن موجود آماده کنند؛ یعنی از سوره حمد شروع کنند و به سوره ناس برسند؛ البته در این اثر دو نوع تفسیر تربیتی تمام قرآن و سوره‌ها و آیات منتخب معرفی شده است و در مقام اجرا به دو صورت فردی و گروهی قابل انجام است. صالحی (۱۳۸۸) و کاظمی (۱۳۹۲) در تعریف دیدگاه تربیتی، آن را گونه شایع تفاسیر عنوان کرده‌اند که در آن تفسیر همه آیات قرآن می‌توانند براساس ترتیب نزول و یا ترتیب مصحف باشند؛ از این رو دوگونه مصحفی و تنزیلی برای تفسیر تربیتی تربیتی مطرح شده و اسعدی (۱۳۹۴) نیز به این دو شیوه اشاره کرده است. در تفسیر تربیتی حداکثری نیز هسته مرکزی آن است که تمام آیات قرآن، بستر موضوعات تربیتی می‌باشند. ناطقی (۱۳۸۷) این دیدگاه را به معنای آن می‌داند که تمام آیات قرآن قابل تفسیر تربیتی هستند. هاشمی علی‌آبادی (۱۳۹۲) نیز دیدگاه حداکثری را استخراج نکات، نظریه‌ها یا نظام جامع تربیتی از قرآن می‌داند که می‌تواند به شیوه تربیتی انجام شود؛ زیرا قرآن کتاب تربیت است و تمام آیات آن - هرچند در نگاه ابتدایی و مستقیماً مربوط به تربیت نباشد ولی - نتیجه تربیتی خواهند داشت. ادعای تفسیر تربیتی اعم بر آن است که همه آیات قرآن، مضامین تربیتی دارند (اسعدی، ۱۳۹۴).

۲. تفسیر تربیتی موضوعی: این نوع از تفسیر تربیتی، بیان‌کننده آن است که تنها برخی از آیات قرآن، موضوع تربیتی دارند؛ از این رو تفسیر تربیتی، شامل همه آیات قرآن نمی‌شود. احسانی و بناری (۱۳۸۷)، شیوه موضوعی را تفسیر قرآن براساس موضوعات مشخص تعریف کرده‌اند که در آن همه آیات از ابتدا تا انتها مدنظر نیستند؛ بلکه با محور موضوعات از پیش تعیین شده به تفسیر می‌پردازند. کاظمی (۱۳۹۲) آن را طرح و پیگیری یک موضوع خاص تربیتی و جمع‌آوری آیات مربوط به آن می‌داند.

اسعدی (۱۳۹۴) نیز دیدگاه موضوعی را توقف مفسر تربیتی هنگام مواجهه با یک موضوع مهم تربیتی و گردآوری، منظومه‌سازی و نتیجه‌گیری آیات مربوط معرفی کرده است. تفسیر تربیتی حداکثری نیز داعیه آن دارد که شمول آیات در تفسیر تربیتی، فقط برخی از آیات قرآن را دربرمی‌گیرد. ناطقی (۱۳۸۷) بیان می‌کند که تنها بخشی از آیات قرآن، هدف تربیتی دارند و قابل تفسیر تربیتی هستند. هاشمی علی‌آبادی (۱۳۹۲) نیز این دیدگاه را تفسیر آیاتی معرفی می‌کند که به‌طور مستقیم به مسئله تربیت و ابعاد و اهداف و مبانی و روش‌ها و عوامل و موانع آن اشاره دارد. تفسیر تربیتی عام نیز تأکید خود را بر آیاتی قرار می‌دهد که صبغه تربیتی دارند. اسعدی (۱۳۹۴) می‌نویسد: تفسیر تربیتی عام رویکردی است که صرفاً آیات اخلاقی، تربیتی، عرفانی را شرح و بسط و زوایای آن را برجسته می‌کند و دغدغه‌ای در کشف پیام‌های تربیتی از آیات سیاسی، اقتصادی و... ندارد. معیار روش تفسیر: تکیه اصلی این معیار بر شیوه انجام تفسیر تربیتی در عمل است؛ یعنی اگر

مفسری بخواهد تفسیر تربیتی انجام دهد، براساس چه شیوه‌ها و روش‌هایی می‌تواند به این کار اقدام نماید. تفاسیر تربیتی برون‌متنی و درون‌متنی از این معیار پیروی می‌کنند. با نظر به طبقه‌بندی‌های وضعیت موجود در مقام اول، دیده می‌شود که برخی شارحان، دیدگاه‌های درون‌متنی و برون‌متنی را ذیل تفسیر تربیتی موضوعی آورده‌اند؛ ولی به علت اینکه دغدغه اصلی این دیدگاه‌ها متمایز از یکدیگر بوده، در بازاندیشی، تحت معیارهای جداگانه‌ای قرار گرفتند. به‌دیگر سخن، این دوگونه از تفسیر تربیتی، نوع مواجهه با قرآن را معرفی می‌کنند. تفسیر تربیتی درون‌متنی، بیان‌کننده شیوه مواجهه‌ای از درون با قرآن است و گونه برون‌متنی، سؤال را از بیرون و پاسخ را از درون قرآن جستجو می‌کند. به‌دلیل این تفاوت‌ها، برخلاف طبقه‌بندی‌های موجود که تفسیر تربیتی درون و برون‌متنی را ذیل گونه موضوعی قرار داده بودند، در بازاندیشی از یکدیگر متمایز شدند. در ادامه، این طبقه‌بندی شرح داده شده است:

۱. تفسیر تربیتی درون‌متنی: این نوع تفسیر تربیتی به معنای آن است که روش انجام تفسیر تربیتی باید موضوع تفسیر را که به‌طور عمده آشکار است، از متن قرآن بگیرد و آیات را براساس آن تفسیر کند. احسانی و بناری (۱۳۸۷) این دیدگاه را شیوه مشهور دانسته، می‌گویند که در آن، موضوعات تفسیری از متن قرآن به دست می‌آید و باید با بررسی آنها، به نتیجه موردنظر برسند؛ یعنی حکم و موضوع را از متن قرآن به دست می‌آورند و آیات پیرامون آن را از سراسر قرآن گرد آورده، تحلیل می‌کنند. این روش، درون‌متنی و مبتنی بر گزاره‌های قرآن است و به غیر آن کار ندارد. صالحی (۱۳۸۸) نیز به بهره‌وری درون‌متنی قرآن اشاره و آن را نوعی از تفسیر موضوعی معرفی کرده که به اخذ مفاهیم تربیتی از قرآن و استفاده از واژگان صریح و همگن در گردآوری و شرح آیات و یا جستجوی کلیت مفاهیم قرآن نظر دارد. اسعدی (۱۳۹۴) از این دیدگاه با رویکرد سنتی و رایج نام برده و آن را احصاء موضوعات تربیتی آشکار در قرآن با روش خاص تفسیر موضوعی و تحلیل دیدگاه قرآن در آن‌باره تعریف کرده است.

۲. تفسیر تربیتی برون‌متنی: در گونه برون‌متنی، منبع اخذ موضوع تفسیری خارج از قرآن و معمولاً بطن جامعه است؛ یعنی موضوعات از بیرون بر قرآن عرضه می‌شود. احسانی و بناری (۱۳۸۷)، شیوه برون‌متنی را عرضه موضوعات نو در عرصه تعلیم و تربیت بر قرآن و جستجوی نظر قرآن درباره آن معرفی کرده‌اند؛ یعنی دانش‌پژوهان باید این موضوعات را از دیدگاه قرآن بررسی کنند و نظریه اسلام را درباره آن به دست آورند. صالحی (۱۳۸۸) در توضیح دیدگاه برون‌متنی بیان می‌کند که این دیدگاه توسط محمدباقر صدر ارائه شده و به معنای عرضه پرسش‌های عصری و جدید بر قرآن است؛ یعنی مفسر باید خود را در میدان منازعات و تجارب علمی انسانی قرار دهد و آرای مختلف را درک کند و آنگاه با انبوه پرسش‌های انسانی با قرآن روبه‌رو شود و این پرسش‌ها را

عرضه کند و پاسخ‌ها را از قرآن بیابد. هاشمی علی‌آبادی (۱۳۹۲) دو دیدگاه مطرح و از هر دو با عنوان برون‌متنی یاد کرده است. در یکی از این دیدگاه‌ها، برای فهم بهتر آیات و رموز نهفته در آن، از داده‌های قطعی علوم تربیتی استفاده می‌شود. دیدگاه دیگری که این شارح از آن به برون‌متنی یاد کرده، بررسی این مسئله است که نظرات علمی ثابت شده علوم تربیتی تا چه حد با قرآن تطبیق دارد و به عبارتی در یافتن صحت و سقم گزاره‌های تربیتی از قرآن است. اسعدی (۱۳۹۴) نیز شیوه برون‌متنی را این‌گونه معرفی کرده است: معضلات تربیتی جامعه که در قرآن تصریح نشده بر قرآن عرضه و با کاربست روش‌های فنی، موضع ایجابی، سلبی، اسکاتی، یا پاسخ اجمالی یا تفصیلی قرآن آشکار می‌شود.

معیار معنای تربیت: هسته مرکزی این معیار، معنایی از واژه تربیت است که شارحان در توضیح و تبیین خود از تفسیر تربیتی پذیرفته‌اند. تفسیر تربیتی میان‌رشته‌ای، خاص و اخص ذیل این معیار قرار می‌گیرند.

۱. **تفسیر تربیتی میان‌رشته‌ای:** این‌گونه، تربیت را به‌مثابه رشته‌ای علمی در نظر گرفته است که خاصیت میان‌رشته‌ای دارد و با رشته‌هایی مانند جامعه‌شناسی و روان‌شناسی ارتباطی نزدیک دارد. احسانی و بناری (۱۳۸۷) تفسیر تربیتی میان‌رشته‌ای را بررسی یک مسئله از دیدگاه دو دانش تعریف کرده‌اند؛ یعنی نگرش دوسویه به موضوعات تفسیری-تربیتی در تهیه و تدوین تفسیر تربیتی؛

۲. **تفسیر تربیتی خاص:** این نوع از تفسیر تربیتی، تربیت را در معنای علمی آن مدنظر قرار داده است و بر قلمرو مطالعاتی علوم تربیتی تأکید دارد. اسعدی (۱۳۹۴) تفسیر تربیتی خاص را رویکردی تخصصی می‌داند که آیات را از زاویه علوم تربیتی می‌نگرد و هرچه از قرآن را که مرتبط با علوم تربیتی است، تأکید می‌کند؛

۳. **تفسیر تربیتی اخص:** در این مورد نیز تربیت به معنای علمی و رشته‌ای آن مدنظر است؛ ولی به‌صورت جزئی‌تر و مشخص‌تر و در قالب محورهای مهم نظام تعلیم و تربیت. اسعدی (۱۳۹۴) تفسیر تربیتی اخص را مطرح کرده است که از زاویه مباحث علوم تربیتی اما براساس محورهای مهم نظام تعلیم و تربیت مثل مبانی و... به آیات می‌نگرد. باید افزود که این مورد و پیشین، توسط نویسندگان به اندازه کافی شرح و بسط نیافته است و معنای آن بیش از آنچه توضیح داده شد، آشکار نیست؛ ولی به نظر می‌رسد دیدگاه خاص، مبتنی بر برداشت وسیع‌تری از تربیت و علوم تربیتی است؛ درحالی‌که دیدگاه اخص به زوایا و ابعاد مشخص‌تری از تربیت اشاره دارد.

برخی دیدگاه‌های شناخته‌نشده در بازاندیشی به‌عنوان گونه تفسیر تربیتی

در میان طبقه‌بندی‌های موجود، احسانی و بناری (۱۳۸۷) گونه‌ای را با نام تفسیر تربیتی تطبیقی معرفی و آن را شناخت یک پدیده در پرتو مقایسه، مثلاً مقایسه دو مفسر و بررسی تفاوت‌ها و اختلافات آنها تعریف کرده‌اند. این نوع از تفسیر تربیتی از نظر معیار، قسیم هیچ‌کدام از معیارهای سه‌گانه (شمول آیات، شیوه تفسیر و معنای تربیت) نیست. از سوی دیگر، این نوع از تفسیر تربیتی می‌تواند در خدمت دیگر گونه‌های تفسیر تربیتی باشد؛ برای نمونه، در تفسیر به شیوه برون‌متنی یا درون‌متنی و با تفاسیر موضوعی و ترتیبی و همچنین دیگر گونه‌های تفسیر می‌توان از تطبیق بهره جست. البته تطبیق به خودی خود نمی‌تواند خاصیتی داشته باشد؛ بلکه رسیدن به دیدگاه‌های جدید از قبل مقایسه چند مفسر، سودبخش است؛ از این رو در بازاندیشی، این نوع تفسیر تربیتی به‌عنوان گونه‌ای مستقل شناسایی نشد.

احسانی و بناری (۱۳۸۷) دیدگاهی را با نام تلفیقی مطرح کرده‌اند. آنان این دیدگاه را روشی مرکب از روش ترتیبی و موضوعی می‌دانند به این شیوه که تفسیر پژوهان تربیتی، طرحی را برای تدوین تفسیر تربیتی آماده و تمام قرآن را با دید تربیتی تفسیر می‌کنند و تعدادی از آیات قرآن را مطرح و درباره نکات و آموزه‌های تربیتی آن بحث و آیات مرتبط با محتوای آن را از سراسر قرآن بررسی می‌کنند و در مجموع عناصر اصلی یک نظام تربیتی شامل مبانی، اهداف، اصول، روش، مراحل، منابع، ابزار، مراتب و ابعاد تربیت را استخراج می‌کنند. این دیدگاه که توسط شارحان ترتیبی و نیز موضوعی عنوان شده و از این حیث تلفیقی نام گرفته، در زمره دیدگاه موضوعی است و نمی‌توان دو دیدگاه موضوعی و ترتیبی را با یکدیگر تلفیق کرد؛ زیرا دیدگاه ترتیبی بر این باور است که همه آیات قابل تفسیر تربیتی هستند و دیدگاه موضوعی تأکید خود را بر آیات خاصی قرار می‌دهد و اینکه آیات خاصی به ترتیب تفسیر شود، در حقیقت بیان‌کننده همان دیدگاه موضوعی است؛ از این رو این دیدگاه در مرحله بازاندیشی، مورد اشاره واقع نشده است؛ زیرا در دل دیدگاه موضوعی است.

صالحی (۱۳۸۸) و کاظمی (۱۳۹۲) از پژوهش تطبیقی نام برده‌اند. این تعریف از این حیث نمی‌تواند نوعی از تفسیر تربیتی به شمار آید؛ زیرا آن را نوعی پژوهش تفسیر تربیتی قلمداد کرده‌اند و نه گونه‌ای از انواع آن؛ از این رو در بازنگری وضع موجود به آن اشاره نشده است. درباره طبقه‌بندی صالحی (۱۳۸۸) نیز باید توضیحاتی را افزود؛ این شارح، ذیل گونه تفسیر تربیتی موضوعی، به ادعای خود چهار روش (شامل گردآوری و طبقه‌بندی آیات تربیتی، شرح و تفسیر آیات، مواجهه درون‌متنی با قرآن، مواجهه برون‌متنی با قرآن) را اشاره کرده است؛ ولی بررسی‌ها نشان می‌دهد که دو مورد ابتدایی بیش از آنکه نشان‌دهنده روش تفسیر تربیتی باشند، بیان‌کننده مراحل انجام آن هستند؛ از این رو در بازنگری طبقه‌بندی‌ها به دو مورد اول اشاره نشده است.

جدول ۲: بازاندیشی طبقه‌بندی‌های موجود تفسیر تربیتی

معیار طبقه‌بندی	معیار طبقه‌بندی		انواع تفسیر تربیتی	معیار طبقه‌بندی
	مصرح	غیرمصرح		
۱	✓	کاظمی (۱۳۹۲)، صالحی (۱۳۸۸)، اسعدی (۱۳۹۴)، احسانی / بناری (۱۳۸۷)، هاشمی علی‌آبادی (۱۳۹۲)	تربیتی (تفسیر تربیتی حداکثری، و اعم)	شمول آیات
		کاظمی (۱۳۹۲)، صالحی (۱۳۸۸)، اسعدی (۱۳۹۴)، احسانی / بناری (۱۳۸۷)، هاشمی علی‌آبادی (۱۳۹۲)	موضوعی (تفسیر تربیتی حداقلی، و عام)	
	✓	ناطق (۱۳۸۷)		
۲	✓	هاشمی (۱۳۹۲)، احسانی و بناری (۱۳۸۷)، صالحی (۱۳۸۸)	درون‌متنی - برون‌متنی	شیوه تفسیر
۳	✓	اسعدی (۱۳۹۴)، احسانی و بناری (۱۳۸۷)	خاص - اخص - میان‌رشته‌ای	برداشت از معنای تربیت

نقد طبقه‌بندی‌های تفسیر تربیتی

با وجود اینکه دیدگاه‌های مطرح‌شده در شناخت تفسیر تربیتی و انواع آن تأثیرگذار هستند، ولی از چند زاویه می‌توان آنها را نقد و بررسی کرد: نکته اول اینکه، نویسندگان این متون، مبادرت به بیان رویکردها، گونه‌ها، اسلوب‌ها و انواع تفسیر تربیتی کرده‌اند؛ ولی هیچ‌یک از این نوشته‌ها به‌طور ویژه به گونه‌شناسی تفسیر تربیتی به‌طور جامع و شمول‌گرایانه نپرداخته‌اند؛ یعنی در منابع موجود، انواع و گونه‌های تفسیر تربیتی به‌طور جامع و همه‌جانبه بررسی نشده است. همچنین، باید افزود طبقه‌بندی‌های مطرح‌شده به‌طور مصرح و آشکار، معیار طبقه‌بندی خود را معرفی نکرده‌اند و احتمالاً همین مسئله دلیلی باشد برای اینکه شارحان، یک مفهوم را گاه با نام‌های مختلف و در قالب‌های متفاوت مطرح کرده‌اند.

نبود معیاری معین و مشخص برای تمییز انواع تفسیر تربیتی باعث می‌شود پژوهشگر به دقت نداند چه چیزی را و از چه زاویه‌ای قرار است از دیگران جدا کند؛ ولی تعیین معیار برای طبقه‌بندی‌های مختلف تفسیر تربیتی، دقت را افزایش داده، انواع مختلف را حول محوری واحد سامان می‌دهد و از قرار دادن موارد ناهمخوان در طبقات جلوگیری می‌نماید.

همان‌طورکه در توضیح دیدگاه‌های موجود نیز دیده شد بیشتر طبقه‌بندی‌ها، گونه‌هایی را در خود جا داده است که از معیار طبقه‌بندی، پیروی نمی‌کنند و از این حیث قسیم دیگر طبقات نیستند؛ برای نمونه، در طبقه‌بندی هاشمی علی‌آبادی، دو دیدگاه حداکثری و حداقلی از معیار شمول آیات پیروی کرده و دیدگاه برون‌متنی از معیار روش تفسیر. نمونه‌های این قضیه در دیگر طبقه‌بندی‌ها نیز وجود دارد؛ ولی وجود معیار معین، موجب وحدت رویه می‌شود. افزون‌براین، طبقه‌بندی باید به‌گونه‌ای باشد که قابلیت نمایش اضلاع و جنبه‌های مختلف یک پدیده را داشته باشد؛ به‌طوری‌که با مطالعه گونه‌شناسی پدیده، فهمی جامع از آن در ذهن مخاطب ایجاد شود.

همچنین، این طبقه‌بندی‌ها نباید به انواع موجود تفسیر تربیتی بسنده کنند؛ بلکه باید افق‌های جدید را برای این موضوع ترسیم نمایند؛ موضوعی که در طبقه‌بندی‌های موجود دیده نمی‌شود. باید افزود که هر طبقه‌بندی می‌تواند معیاری متفاوت داشته باشد و از زاویه‌ای معین و برای اهدافی خاص، پدیده موردنظر را معرفی کند؛ ولی در کنار آن نباید لزوم توجه به طبقه‌بندی‌های جامع را از یاد برد. براساس این، در ادامه این نوشتار تلاش می‌شود تا براساس معیارهایی مشخص، از جنبه‌های مختلف و به‌صورت همه‌جانبه به انواع تفسیر تربیتی پرداخته شود. برخی از این طبقات، مطالعات و اقدامات تفسیر تربیتی را به جهتی خاص هدایت می‌کنند و برخی دیگر شمول بیشتری دارند.

گونه‌شناسی جدید از تفسیر تربیتی

براساس مطالب پیش‌گفته، پرداختن به گونه‌شناسی جامع و شمول‌گرا برای تفسیر تربیتی اهمیت و ضرورتی اساسی دارد. در این قسمت به ارائه طبقه‌بندی‌های جدید از تفسیر تربیتی در سه مقام پرداخته می‌شود: در مقام اول، طبقه‌بندی‌های جدید تفسیر تربیتی طرح و شرح داده می‌شود؛ در مقام دوم، باهم‌نگری طبقه‌بندی‌های جدید و موجود مطرح می‌شود و در مقام سوم نیز از منظری جدید گونه‌شناسی تفسیر تربیتی به‌مثابه یک رشته علمی بازاندیشی می‌شود.

مقام اول: طبقه‌بندی‌های جدید تفسیر تربیتی

در این قسمت، طبقه‌بندی‌های جدیدی از تفسیر تربیتی ارائه می‌شود. هر طبقه‌بندی براساس یک معیار مشخص ارائه شده و طبقاتی دارد. در ادامه، تلاش می‌شود هر طبقه‌بندی به‌طور جداگانه ارائه و شأن نزول معیار و نسبت آن با تفسیر تربیتی و نیز اقسام آن توضیح داده شود.

طبقه‌بندی براساس جایگاه علم تربیت در تفسیر: صبغه تربیتی، وجه مشترک همه دیدگاه‌ها و مناظر مختلف درباره تفسیر تربیتی است. به عبارتی، تربیت، بخش جدانشدنی این موضوع است. از آنجاکه امروزه تربیت به‌عنوان یک علم و حوزه مطالعاتی شناخته می‌شود، براساس اینکه این علم چه جایگاهی در تفسیر تربیتی دارد، می‌توان انواع گوناگونی از تفسیر تربیتی را شناسایی کرد:

۱. برخی دیدگاه‌ها علم را برای تأیید گزاره‌های قرآن در نظر می‌گیرند (رفیعی‌محمدی، ۱۳۸۶)؛ یعنی حین تفسیر تربیتی، آیاتی که مضامین تربیتی دارند و یا درباره تربیت حکمی صادر کرده‌اند، توسط گزاره‌های اثبات شده علم تربیت، مورد تأیید یا تأویل قرار می‌گیرند. هرچند این دیدگاه از دیرباز تا امروز همواره طرفدارانی داشته است، ولی باید اذعان کرد که چنین شیوه برخوردی با قرآن روا نمی‌باشد؛ یعنی اساساً علم بشری، صلاحیت و قابلیت تأیید کلام خطاناپذیر خداوند را ندارد؛
۲. در معنایی دیگر علم تربیت و گزاره‌های آن توسط قرآن تأیید می‌شود. این حالت در مقابل

حالت پیشین قرار دارد. در حالت پیشین، گزاره‌های قرآنی توسط علم تربیت تأیید می‌شد و در این حالت علم تربیت توسط آیات قرآن تأیید و یا رد می‌شود. این طبقه نیز در میان دیدگاه‌های موجود، نمونه‌هایی دارد؛ برای نمونه، دیدگاه برون‌متنی که در شرح وضعیت موجود اشاره شد، چنین دیدگاهی را منتقل می‌کند (هاشمی علی‌آبادی، ۱۳۹۲)؛ یعنی پرسش‌های جدید و برخاسته از علم تربیت، بر قرآن عرضه شده و مفسران در پی پاسخی برای آن برآیند؛

۳. در حالت سوم، علم تربیت وظیفه رمزگشایی از آیات قرآن را برعهده دارد (همان)؛ یعنی برخی از آیات قرآنی مضامینی دارند که معنای آن آشکار نیست، در این صورت علم تربیت به کمک آمده و با یافته‌های خود، معنای آیات قرآنی را آشکار می‌کند. این طبقه که به نظر می‌رسد حالت تعدیل شده دیدگاه نخست باشد، تأیید گزاره‌های قرآنی را به یافته‌های علم تربیت منوط نمی‌داند؛ ولی معتقد است این یافته‌ها می‌تواند به آشکار کردن معنای برخی از آیات کمک کند؛ از این رو قرار گرفتن ذیل این طبقه، نیازمند سازوکارهای پیچیده‌ای است که فرد را از حمل یافته‌های تربیتی بر قرآن برحذر می‌دارد.

طبقه‌بندی براساس منبع تفسیر تربیتی: منبع تفسیر تربیتی از دیگر معیارهایی است که براساس آن می‌توان انواع تفسیر تربیتی را از یکدیگر جدا کرد. این معیار بدان معناست که در تفسیر تربیتی، افزون‌بر قرآن که منبع اصلی است، چه منبع یا منابع دیگری استفاده می‌شود. به عبارتی منبع اصلی تفسیر تربیتی، قرآن کریم است؛ ولی در باب اکتفا به همین منبع و یا استفاده از منابع دیگر برای چهره‌گشایی از آیات و رموز قرآنی تفاوت‌هایی وجود دارد: ۱. برخی دیدگاه‌ها به این موضوع اشاره دارند که تنها و اصلی‌ترین منبع برای تفسیر تربیتی، قرآن کریم است و براساس این منبع باید تفسیر تربیتی صورت پذیرد و استفاده از منبع دیگری را برای این کار جایز نمی‌دانند (جلیلی، ۱۳۸۷)؛ ۲. برخی بر این باورند که افزون‌بر قرآن، روایات و احادیث ائمه علیهم‌السلام هم از منابع مهم در تفسیر تربیتی هستند (اسعدی، ۱۳۹۴، ص ۵۷)؛ ۳. دیدگاه‌هایی وجود دارند که علوم تربیتی را منبعی برای تفسیر تربیتی معرفی می‌کنند. آنچه در بهره‌گیری از این علم مدنظر است، تحمیل و یا تطبیق یافته‌های این علم بر قرآن نیست؛ بلکه مواقعی که آیات قرآن حالت رمزگونه دارند، از این یافته‌ها کمک می‌گیرند (هاشمی علی‌آبادی، ۱۳۹۲)؛ ۴. افزون‌بر آنچه ذکر شد، برخی فلسفه تعلیم و تربیت را به‌عنوان منبعی برای تفسیر تربیتی در کنار قرآن ذکر کرده‌اند. البته برخی این مورد را ذیل علوم تربیتی قرار داده‌اند (اسعدی، ۱۳۹۴).

طبقه‌بندی براساس برداشت‌ها از معنای تربیت: این طبقه‌بندی با معیار برداشت از معنای تربیت در تفسیر تربیتی صورت گرفته است. اگر از نظر لغوی، تفسیر تربیتی متشکل از دو واژه تفسیر و تربیت دانسته شود، این دسته‌بندی با توجه به معانی و برداشت‌های مختلف از واژه تربیت صورت گرفته است. به عبارتی آنچه در همه تعریف‌ها، برداشت‌ها و دیدگاه‌ها ثابت است و نیز در

خود واژه تفسیر تربیتی نیز هویدا است، تفسیر با موضوع تربیت است؛ یعنی تربیت رکن ثابت این تعاریف است و در واقع بیان‌کننده نوع تفسیر است؛ ولی اینکه تربیت به چه معنایی در نظر گرفته شود، همیشه یکسان نیست و به تناسب دیدگاه‌ها، متفاوت است؛ از این رو براساس معنای تربیت، می‌توان دیدگاه‌های موجود از تفسیر تربیتی و نیز دیدگاه‌های مفروض را طبقه‌بندی کرد: ۱. در برخی دیدگاه‌ها منظور از تربیت به‌درستی مشخص نشده است و کسی که دیدگاه خود را معرفی کرده تعیین نکرده که چه معنایی از تربیت در ذهن داشته است؛ مانند ناطقی (۱۳۸۷)؛

۲. در حالت دیگر تربیت در معنای مضامین اخلاقی و هدایتی در نظر گرفته شده است. کسانی که این معنا از تربیت را پذیرفته‌اند، قرآن را کتاب هدایت تلقی کرده، از این رو همه قرآن را بستر تفسیر تربیتی می‌دانند. رد پای چنین برداشتی در دیدگاه‌های حداکثری و اعم و قائلان به آنها مانند هاشمی علی‌آبادی (۱۳۹۲) و اسعدی (۱۳۹۴) قابل مشاهده است؛

۳. برخی نیز تربیت را در معنایی ویژه، تعیین مجموعه اهداف، اصول، روش‌ها و ابزار تربیت می‌دانند. در این معنا تفسیر تربیتی با هدف استخراج عناصر اصلی نظام تربیتی از آیات قرآن صورت می‌گیرد و براساس مضامین قرآنی، برای این عناصر تعیین تکلیف می‌شود؛ برای مثال دیدگاه اخص، چنین برداشتی از تربیت دارد (اسعدی، ۱۳۹۴)؛

۴. برخی نیز تربیت را در معنای معضلات تربیتی جامعه در نظر می‌گیرند و بر این باورند که جامعه از مشکلات و معضلات تربیتی رنج می‌برد که تفسیر تربیتی وظیفه پیگیری و پاسخ به آنها را برعهده دارد؛ برای مثال اسعدی (۱۳۹۴) در دیدگاه برون‌متنی چنین برداشتی از تربیت را مدنظر قرار داده و معتقد است که مسائل، پرسش‌ها و معضلات تربیتی جامعه که قرآن به آن تصریح نکرده است بر قرآن عرضه می‌شود؛

۵. دیدگاه دیگر در معنایی مشابه با مورد پیشین، اختصاص به موضوعات نو در عرصه تعلیم و تربیت دارد؛ یعنی واژه تربیت در تفسیر تربیتی را به معنای موضوعات نو و جدید در عرصه تعلیم و تربیت جامعه معاصر در نظر می‌آورند؛ برای مثال احسانی و بناری (۱۳۸۷) شیوه برون‌متنی را عرضه موضوعات جدید تعلیم و تربیت و تحولات اجتماعی بر قرآن و جو یا شدن نظر قرآن درباره آن عنوان کرده‌اند؛

۶. برخی تربیت را واژه‌ای در نظر گرفته‌اند که دارای ابعادی گوناگون است؛ برای نمونه ناطقی (۱۳۸۷) چنین برداشتی از تربیت عرضه و انواع تربیت جسمانی، عاطفی، اجتماعی، عقلانی، اخلاقی و عبادی را در اثر خود به‌عنوان ابعاد تربیت ذکر کرده است. وی بر این باور است که حول هریک از این ابعاد و انواع تربیت می‌توان تمام آیات قرآن را بررسی کرد؛

۷. دیدگاه دیگری که در برداشت‌ها از معنای تربیت مفروض است، تربیت به‌مثابه یک دانش یا به عبارتی علوم تربیتی اسلامی است. اگر علوم تربیتی به‌مثابه یک قلمرو مطالعاتی در نظر گرفته شود،

این رشته حوزه‌های مختلفی دارد و همچنین، رشته‌های گوناگونی را دربرمی‌گیرد. حال اگر بنا باشد تربیت، اسلامی شود، باید این قلمرو مطالعاتی با تمام حوزه‌ها و رشته‌هایش و نیز تمام مسائل، پرسش‌ها، ابعاد و جوانب گوناگون در رشته‌های مختلف آن شامل فلسفه تعلیم و تربیت، برنامه‌ریزی درسی، برنامه‌ریزی آموزشی، تکنولوژی آموزشی، اقتصاد آموزش و پرورش، تاریخ آموزش و پرورش، مدیریت آموزشی، تحقیقات آموزشی، اسلامی شود. به این منظور باید مسائل مطرح در همه این حوزه‌ها شناسایی و دیدگاه اسلامی درباره همه آنها احصاء شود (امین‌خندقی، ۱۳۹۳).

چنین برداشتی از تربیت، رنگ و لعابی متفاوت به تفسیر تربیتی می‌دهد و کارکردها، فرایندها، اهداف و روش‌های متفاوتی را طلب می‌کند؛ زیرا تربیت را در معنایی وسیع در نظر گرفته است که از نظری‌ترین مباحث تا عملیاتی‌ترین بخش‌های تربیت را دربرمی‌گیرد و هنگامی که چنین معنایی از تربیت در تفسیر تربیتی مدنظر باشد، مسلماً کارکردها و رسالت‌های تفسیر تربیتی شکل و شمایل تازه و پیچیده‌ای به خود خواهد گرفت.

طبقه‌بندی براساس غایت تفسیر تربیتی: معیار این طبقه‌بندی، غایت یا هدف تفسیر تربیتی است. اساساً تفسیر تربیتی فعالیتی هدفمند است؛ ولی دیدگاه‌ها و افراد مختلف غایات متفاوتی برای آن در نظر گرفته‌اند. دسته‌بندی براساس این معیار، به این دلیل اهمیت دارد که غایت‌های متفاوت تفسیر تربیتی، کارکردها، ضرورت‌ها و پیامدهای متفاوتی را در پی دارد و براساس اینکه چه هدفی برای تفسیر تربیتی در نظر گرفته شود، افق‌ها و مناظر متفاوتی جلوه‌گر می‌شود. نکته دیگری نیز باید افزود که این معیار، فراتر از دیدگاه‌های مختلف، مطرح است؛ یعنی ممکن است دو دیدگاه متفاوت، یک غایت واحد برای تفسیر تربیتی عنوان نمایند؛ برای نمونه هم دیدگاه موضوعی و هم تربیتی، هر دو از یک غایت پیروی کنند؛ و یا دو شارح متفاوت از یک دیدگاه، دو غایت متفاوت طرح کنند. این موارد ذیل هر طبقه شناسایی شده و شرح داده می‌شود:

۱. برخی غایت تفسیر تربیتی را استخراج نکات و پیام‌های تربیتی و شرح آنها معرفی می‌کنند و بر این باورند که در تفسیر تربیتی مفسر فارغ از اینکه با تمام یا بخشی از آیات قرآن سروکار دارد، به دنبال یافتن نکته‌های تربیتی قرآن و شرح و بسط آن است و پا را از آن فراتر نمی‌گذارد. رد پای این هدف را می‌توان در دیدگاه‌های موجود نیز یافت؛ برای نمونه ناطقی (۱۳۸۷) در دیدگاه‌های حداقلی، حداکثری و برگزیده که مطرح می‌کند، هدف اصلی از تفسیر تربیتی را استخراج و استنباط نکات تربیتی از آیات می‌داند.

برخی هدف از تفسیر تربیتی را در سطحی مشابه ولی بالاتر از استخراج نکات تربیتی و معطوف به تجزیه و تحلیل آیات می‌دانند. تفسیر تربیتی، موضوعی و درون‌متنی احسانی و بناری (۱۳۸۷) از چنین هدفی پیروی می‌کنند؛ البته این تفسیر و تشریح آیات، در هریک از این

رویکردها کم و کیف متفاوتی دارد؛ برای نمونه در رویکرد موضوعی و برون‌متنی تفسیر و تحلیل آیات ناظر به موضوعی خاص است.

کاظمی (۱۳۹۲) دیدگاه ترتیبی و موضوعی را مطرح می‌کند. دیدگاه ترتیبی در پی نکات تربیتی از آیات است که جنبه عملی دارند. دیدگاه موضوعی نیز در پی جمع‌آوری آیات مربوط به یک موضوع خاص است. همچنین، صالحی (۱۳۸۸) دیدگاه‌های ترتیبی، موضوعی و نیز رویکرد درون‌متنی را طرح کرده که از زیرشاخه‌های رویکرد موضوعی هستند و هرکدام سرانجام به دنبال استخراج نکات و شرح و تفسیر آیات می‌باشند.

اسعدی (۱۳۹۴) دیدگاه ترتیبی را مطرح کرده و سطحی از این دیدگاه را به استخراج پیام‌ها و گزاره‌های تربیتی تمام آیات اختصاص داده است؛ از این‌رو باید افزود که این غایت در دیدگاه‌های موجود تفسیر تربیتی، فراوانی زیادی دارد؛ ولی در واقع، چنین هدفی هرچند نادرست نیست، ولی به نظر می‌رسد که بخش زیادی از کارکردها و ابعاد تفسیر تربیتی را نادیده می‌انگارد. همچنین، آشکار شد که دیدگاه‌های متفاوتی مانند دیدگاه موضوعی، ترتیبی، حداقلی، حداکثری و... هرچند قالب‌های گوناگونی دارند، ولی از منظر برخی شارحان، همگی یک غایت را دنبال می‌کنند؛

۲. دیدگاه‌هایی وجود دارند که هدف تفسیر تربیتی را مقایسه و تطبیق آن با یافته‌های دیگر علوم مثل تعلیم و تربیت می‌دانند. احسانی و بناری (۱۳۸۷) دیدگاه تطبیقی را شناخت یک پدیده در پرتو مقایسه تعریف کرده‌اند؛ برای مثال مقایسه دو مفسر و بررسی تفاوت‌ها و اختلاف‌های آنها. گفتنی است آنچه در این طبقه اهمیت دارد صرف مقایسه نیست؛ بلکه تبلور دیدگاه‌های جدید به‌وسیله قیاس مدنظر است؛

۳. طبقه دیگر تفسیر تربیتی با هدف چهره‌گشایی از حقایق قرآن است. برخی از صاحب‌نظران هدف از تفسیر تربیتی را استفاده از داده‌های قطعی رشته علوم تربیتی، برای فهم دقیق‌تر آیات و رموز نهفته در آن می‌دانند. به‌عنوان نمونه، تفسیر برون‌متنی دوم هاشمی علی‌آبادی (۱۳۹۲) چنین هدفی را دنبال می‌کند. در این طبقه تفسیر تربیتی با این هدف صورت می‌گیرد که با تلاش مفسر، جنبه‌های تربیتی آیات قرآن رمزگشایی شود که در ظاهر آن آشکار نیست؛

۴. از جمله دیگر غایات، می‌توان به تفسیر تربیتی با هدف تأیید گزاره‌های قرآنی اشاره کرد. برخی تفسیر تربیتی را با این هدف انجام می‌دهند که به‌واسطه نظریات علمی ثابت شده، گزاره‌های قرآنی را تعبیر و تفسیر کنند. چنین هدفی برای تفسیر تربیتی هرچند متصور است و پیروانی دارد، ولی درست نیست؛ زیرا اساساً ساحت قرآن از تأیید و یا تفسیر به‌واسطه علومی که توسط انسان‌ها احصاء شده و احتمال خطا در آن بسیار زیاد است، مبراست؛

۵. طبقه دیگر تفسیر تربیتی با غایت تأیید داده‌های علوم تربیتی، توسط قرآن کریم است. به‌دیگر سخن، تفسیر تربیتی با این هدف سامان می‌یابد که داده‌های علوم تربیتی بر قرآن عرضه و

صحت و سقم آن به وسیله قرآن آشکار شود. چنین غایتی در برخی از دیدگاه‌ها وجود دارد؛ برای نمونه هاشمی علی‌آبادی (۱۳۹۲) دیدگاهی را که از آن به برون‌متنی یاد کرده مرتبط به بررسی این مسئله دانسته است که نظرات علمی ثابت شده علوم تربیتی تا چه حد در یافتن صحت و سقم گزاره‌های تربیتی از قرآن با قرآن تطبیق دارد. این غایت نیز هرچند ناصواب نیست و می‌توان از قبل تفسیر تربیتی به چنین هدفی جامه عمل پوشاند، ولی اکتفا به آن مطلوب به نظر نمی‌رسد؛ زیرا در چنین فرایندی، تولید علم صورت نمی‌گیرد؛ بلکه آنچه با نام علم تربیت موجود است، مورد تأیید یا رد قرآن قرار می‌گیرد. همچنین، قواعد چنین تأیید و یا انکاری، خود بحثی مفصل می‌خواهد؛

۶. در طبقه‌ای دیگر غایت تفسیر تربیتی استخراج عناصر نظام تربیتی عنوان شده است. این عناصر شامل اهداف، اصول، مبانی، روش‌ها و ابزار تربیت است. در این طبقه، هدف آن است که با تفسیر آیات قرآن، فارغ از اینکه همه قرآن باشد یا بخشی از آن، عناصر اصلی نظام تعلیم و تربیت استخراج و نظر قرآن درباره آنها معلوم شود؛ برای نمونه اسعدی (۱۳۹۴) در سطح دوم دیدگاه تربیتی معتقد است که هدف آن تعیین نقش و جایگاه هر آیه در مسائل مهم تعلیم و تربیت مانند اصول، روش‌ها، مراحل، منابع، عوامل، زمینه‌ها، موانع، آسیب‌ها، الگوها، عبرت‌ها و... است؛

۷. به‌عنوان آخرین طبقه ذیل این معیار، می‌توان به غایت نظریه‌پردازی اشاره کرد. دیدگاه‌های ذیل این طبقه، همه معنای یکسانی از نظریه‌پردازی ندارند؛ برای مثال هاشمی علی‌آبادی (۱۳۹۲) هدف از تفسیر تربیتی را طراحی نظام جامع تربیتی مورد نظر قرآن دانسته و هم دیدگاه حداقلی و حداکثری را معطوف به استخراج نکات، نظریه‌ها، یا نظام جامع تربیتی از قرآن می‌داند. با توجه به اینکه در این تعریف از دو واژه نکات و نظام جامع تربیتی نام برده شده است، به نظر می‌رسد واژه نظریه‌پردازی، در معنای استخراج نکات تربیتی و تعیین تکلیف درباره عناصر نظام تربیتی مانند اهداف، روش‌ها و... به کار رفته است.

احسانی و بناری (۱۳۸۷) نیز دیدگاه برون‌متنی را ناظر بر حمل موضوعات نوبر قرآن و احصاء نظریه اسلام در باب آن می‌دانند. در توضیح این دیدگاه باید گفت مهم‌ترین دغدغه آن، تولید علمی است که در حقیقت از مبانی و منابع اصیل دینی و اسلامی گرفته شده باشد. این هدف از تفسیر تربیتی در ارتباطی نزدیک با آخرین طبقه از معنای تربیت است که در طبقه‌بندی قبل توضیح داده شد. به عبارتی، اگر مقصود از تربیت در تفسیر تربیتی، یک قلمرو مطالعاتی باشد، برای اسلامی کردن این قلمرو مطالعاتی با تمام اضلاع و ابعادش، ناگزیر باید دست به دامان نظریه‌پردازی و تولید علم اسلامی از طریق تفسیر تربیتی شد یا به‌دیگرسخن، اگر هدف از تفسیر تربیتی نظریه‌پردازی باشد، این نظریه‌پردازی نباید تنها معطوف به مبانی و مباحث فلسفی تربیت باشد؛ بلکه باید از منظری وسیع‌تر و عمیق‌تر معطوف به شناخت تعلیم و تربیت به‌عنوان یک دانش با تمام ابعاد، مسائل، حوزه‌ها و رشته‌های ذیل آن باشد.

مقام دوم: باهم‌نگری طبقه‌بندی‌های موجود و جدید: گونه‌شناسی جامع و شمول‌گرایانه پس از مرور گونه‌شناسی‌های موجود از تفسیر تربیتی و گونه‌شناسی‌های جدیدی که برای آن ارائه شد، در ادامه و در قالب شکل شماره ۱، طبقه‌بندی‌های موجود و طبقه‌بندی‌های جدید تفسیر تربیتی در کنار یکدیگر آمده است. سمت چپ این تصویر به گونه‌شناسی‌های موجود و سمت راست آن به گونه‌شناسی‌های جدید اختصاص یافته است. در سمت چپ تصویر از مرکز شکل به سمت بیرون آن، ابتدا معیار طبقه‌بندی‌ها مشخص شده است. همان‌طور که پیش از این اشاره شد، در گونه‌شناسی‌های موجود از تفسیر تربیتی، صاحب‌نظران به‌طور مصرح معیار تقسیم‌بندی خود را معرفی نکرده‌اند و در این پژوهش با بررسی و دقت روی این طبقات، معیاری غیر آشکار برای آنها تعیین شد که در شکل به آن اشاره شده است. در لایه بیرونی نیز دیدگاه‌هایی اشاره شده است که ذیل آن معیار قرار می‌گیرند. در سمت راست تصویر که به گونه‌شناسی‌های جدید اختصاص یافته است، در مرکز دایره، معیار هر طبقه‌بندی و در لایه بیرونی آن، طبقات مفروض برای هر معیار قرار گرفته است.

کاملی و صالحی؛ موضوعی/تربیتی/پژوهشی تطبیقی		۱. استخراج و شرح نکات تربیتی ۲. مقایسه و تطبیق با یافته‌های سایر علوم ۳. چهارگشایی از حقایق قرآن ۴. تأیید گزاره‌های قرآن/علوم تربیتی ۵. استخراج عناصر تربیتی ۶. نظریه پردازی		۱. عدم وضوح معنا ۲. معنای اخلاقی ۳. تعیین عناصر نظام تربیتی ۴. معضلات تربیتی جامعه ۵. موضوعات جدید تربیتی ۶. مفهومی با ابعاد گوناگون ۷. تربیت به مثابه دانش	
اسعدی؛ عام، اعم، خاص، اخص/تربیتی، موضوعی	احسانی و هم‌تجاری؛ تربیتی/موضوعی/تلفیقی/ میان‌رشته‌ای/تطبیقی	معیار غایت معیار تفسیر تربیتی	معیار معنای تربیت	۱. فقط قرآن کریم ۲. قرآن و روایات ۳. قرآن و علم تربیت ۴. قرآن و فلسفه تربیتی	۱. معیار غایت ۲. معیار تفسیر تربیتی ۳. معیار معنای تربیت ۴. معیار منبع تفسیر تربیتی ۵. معیار جایگاه علم تربیت در تفسیر
هاشمی‌علی آبادی؛ حداکثری/ حدائقی/ برون‌متنی او ۲	بدون دخل و تصرف	طبقه بندی‌های	طبقه بندی‌های	۱. فقط قرآن کریم ۲. قرآن و روایات ۳. قرآن و علم تربیت ۴. قرآن و فلسفه تربیتی	۱. معیار غایت ۲. معیار تفسیر تربیتی ۳. معیار معنای تربیت ۴. معیار منبع تفسیر تربیتی ۵. معیار جایگاه علم تربیت در تفسیر
ناظمی؛ حداکثری/حدائقی	موجود	جدید	جدید	۱. علم تربیت برای تأیید گزاره‌های قرآنی ۲. علم تربیت برای تأیید توسط آیات قرآن ۳. علم تربیت برای رمزگشایی از آیات قرآن	۱. معیار غایت ۲. معیار تفسیر تربیتی ۳. معیار معنای تربیت ۴. معیار منبع تفسیر تربیتی ۵. معیار جایگاه علم تربیت در تفسیر
معیار شمول آیات شامل: چپ موضوعی/تربیتی	بعد	موجود	جدید	۱. علم تربیت برای تأیید گزاره‌های قرآنی ۲. علم تربیت برای تأیید توسط آیات قرآن ۳. علم تربیت برای رمزگشایی از آیات قرآن	۱. معیار غایت ۲. معیار تفسیر تربیتی ۳. معیار معنای تربیت ۴. معیار منبع تفسیر تربیتی ۵. معیار جایگاه علم تربیت در تفسیر
معیار برداشت از معنای تربیت شامل: ☆ خاص ☆ اخص ☆ میان‌رشته‌ای	معیار شیوه تفسیر شامل: ☆ درون‌متنی ☆ برون‌متنی	معیار شیوه تفسیر شامل: ☆ درون‌متنی ☆ برون‌متنی	معیار شیوه تفسیر شامل: ☆ درون‌متنی ☆ برون‌متنی	۱. علم تربیت برای تأیید گزاره‌های قرآنی ۲. علم تربیت برای تأیید توسط آیات قرآن ۳. علم تربیت برای رمزگشایی از آیات قرآن	۱. معیار غایت ۲. معیار تفسیر تربیتی ۳. معیار معنای تربیت ۴. معیار منبع تفسیر تربیتی ۵. معیار جایگاه علم تربیت در تفسیر

شکل ۱: باهم‌نگری طبقه‌بندی‌های موجود و جدید از تفسیر تربیتی

مقام سوم: تفسیر تربیتی به مثابه رشته علمی: گونه‌شناسی جامع و شمول‌گرایانه از منظری متفاوت و جدید

می‌توان تفسیر تربیتی را در نگاهی متمایز، به‌عنوان یک رشته علمی یا دیسپلین^۱ معرفی کرد. دیسپلین‌ها اهمیتی بسیار دارند؛ به‌طوری‌که دانش زمانی علم نامیده می‌شود که تبدیل به رشته علمی شود، وگرنه جایگاهی علمی ندارد. به‌همین دلیل، اغلب دانش‌ها و موضوعات تلاش می‌کنند که جایگاه خودشان را به رشته علمی ارتقا دهند و زمانی که علم، رشته علمی نامیده می‌شود، باید دارای نظام زبانی و رویه‌های حرفه‌ای مرتبط و مفید برای حل مسائل عملی باشد (هونگ‌سای،^۲ ۲۰۰۷). درباره اینکه رشته علمی چیست و چه ویژگی‌هایی دارد، افراد مواردی را ذکر کرده‌اند؛ برای مثال کینگ و برونل (۱۹۶۶، ص ۳۷) ده ویژگی مهم را برای دیسپلین‌ها برمی‌شمارند که عبارت‌اند از: رشته علمی، اجتماعی از افراد است،^۳ یک قلمرو است،^۴ شیوه‌ای پژوهشی است،^۵ ساختاری مفهومی^۶ است، سنت بوده و دارای تاریخ است،^۷ شکلی از ابزار تخیل انسانی است،^۸ زبانی تخصصی است،^۹ میراثی از پیشینه و شبکه ارتباطات است،^{۱۰} موضعی ارزشی و احساسی دارد^{۱۱} و اجتماعی آموزنده است.^{۱۲}

به‌طورکلی، در تعریف دیسپلین، می‌توان آن را اجتماعی از صاحب‌نظران دانست که دارای روابط علمی، موضوعات اساسی، روش‌های پژوهشی و ساختار علمی هستند؛ ولی در مجموع می‌توان ویژگی‌های مهم یک دیسپلین را در سه عنصر خلاصه کرد که شامل اهداف و غایت، موضوعات و مسائل، و روش هستند. به عبارتی، یک حوزه یا قلمرو را زمانی می‌توان رشته علمی خواند که از نظر غایت، موضوعات و مسائل، و روش دارای استقلال باشد و اهداف مختص به خود، مسائل ویژه و متمایز و روش‌های خاص خود داشته باشد. در این قسمت ادعا بر آن است که می‌توان تفسیر تربیتی را به‌عنوان یک رشته علمی قلمداد کرد. تفسیر تربیتی به‌مثابه رشته علمی مانند هر دانش و رشته‌ای باید نسبت به این سه قلمرو، افکار جدیدی مطرح و برای آنها تعیین تکلیف کند. در این صورت می‌توان ادعا کرد که قلمرو موردنظر می‌تواند به‌مثابه رشته علمی در نظر گرفته شود یا خیر؟ در راستای پاسخ به این سؤال در ادامه، با منظر و نگاهی متفاوت، گونه‌شناسی متمایزی نسبت به تفسیر تربیتی ارائه شده است.

- | | |
|---|---|
| 1. discipline | 2. Hongcai |
| 3. a discipline is a community | 4. a discipline is a domain |
| 5. a discipline is a mode of inquiry | 6. a discipline is a conceptual structure |
| 7. a discipline is a tradition-it has a history | 8. a discipline is an expression of human imagination |
| 9. a discipline is a specialized language | |
| 10. a discipline is a heritage of literature and a communications network | |
| 11. a discipline is a valuable and affective stance | 12. a discipline is an instructive community |

در این مقاله، پس از بررسی طبقه‌بندی‌های موجود از تفسیر تربیتی، پژوهشگران تلاش کرده‌اند ایده‌های جدیدی را در قالب طبقه‌بندی‌های جدید از تفسیر تربیتی مطرح کنند. این طبقه‌بندی‌های جدید، در حقیقت در حکم دیدگاه‌های بدیع و بدیلی هستند که در این پژوهش مطرح شده‌اند که باید به سمت آنها حرکت کرد؛ اما به یقین شرح و بسط بیشتر آنها، نیازمند پژوهش‌ها و مطالعات دیگری است. به‌دیگرسخن، این ایده و طرح، در مراحل نخستین خود به سر می‌برد و برای رشد و تکمیل، نیازمند مطالعات و پژوهش‌های دیگر است.

غایت و هدف: یکی از موارد حداقلی که برای تلقی یک موضوع به‌عنوان رشته علمی باید مدنظر قرار گیرد، هدف یا غایت است. به عبارتی، اگر بنا باشد تفسیر تربیتی دانشی مستقل در نظر گرفته شود، باید غایت‌ها و اهداف گوناگون و ویژه خود داشته باشد. با این نگاه، پیش از این و در قسمت گونه‌های جدید از تفسیر تربیتی، طبقه‌بندی با معیار غایت اشاره شد. در این دسته‌بندی، اهداف مختلفی مطرح شدند که مختص تفسیر تربیتی هستند. این اهداف شامل استخراج نکات و پیام‌های تربیتی و شرح آنها، مقایسه و تطبیق آنها با یافته‌های دیگر علوم، مانند تعلیم و تربیت، چهره‌گشایی از حقایق قرآن، تأیید گزاره‌های قرآنی، تأیید داده‌های علوم تربیتی توسط قرآن، استخراج عناصر نظام تربیتی و نظریه‌پردازی است. آشکار است که با طرح غایات متفاوت دیگر می‌توان طبقه‌بندی‌های دیگری از تفسیر تربیتی ارائه کرد.

موضوعات و مسائل: یکی دیگر از موارد اساسی برای معرفی تفسیر تربیتی به‌عنوان دیسپلین، داشتن موضوعات و مسائلی است که درباره آنها میان صاحب‌نظران، آرای گوناگونی وجود داشته باشد. براساس این عنصر، می‌توان به دو دسته کلی از موضوعات اشاره کرد: یک دسته از مسائل که در لابه‌لای این مقاله به آنها اشاره شد و شامل چند موضوع است و دسته دیگر که گستره مسائل تفسیر تربیتی را مدنظر قرار داده است.

در دسته اول مسائل تفسیر تربیتی، می‌توان به آنچه در ادامه می‌آید اشاره کرد. یکی از مسائل تفسیر تربیتی، شمول آیات است. مسئله اصلی در شمول آیات این است که آیا تمام آیات قرآن جنبه تربیتی دارند یا برخی از آنها؟ که در پاسخ به این پرسش دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد. از دیگر موضوعات و مسائل می‌توان به برداشت‌ها از معنای تربیت اشاره کرد که برای این موضوع نیز طیفی از دیدگاه‌های گوناگون وجود دارد. افزون‌براین، در طبقه‌بندی‌های جدید نیز برداشت‌ها از معنای تربیت یکی دیگر از مسائل تفسیر تربیتی است. جایگاه علم تربیت در تفسیر نیز مسئله دیگری است که در باب آن، طیفی از نظرات وجود دارد.

دسته دیگر از موضوعات، گستره مسائل تفسیر تربیتی است؛ یعنی در مورد اینکه مسائل تربیت و در پی آن تفسیر تربیتی چیست و چه گستره‌ای دارد، دیدگاه‌های گوناگونی ارائه شده است که

در ادامه و در قالب دو دسته کلی اشاره می‌شود: دسته اول از زاویه گستره مسائل، تفسیر تربیتی را کنش یا واکنشی به دانش موجود و متعارف تعلیم و تربیت می‌داند؛ یعنی دانش موجود تعلیم و تربیت و رشته‌های وابسته به آن مانند برنامه درسی، فلسفه تعلیم و تربیت و غیره به همین شکلی که هست و با همین مسائلی که دارد، قرار است اسلامی شود. بیشتر دیدگاه‌های موجود به تفسیر تربیتی را می‌توان در این طبقه قرار داد؛ اما دسته دوم، به نوعی فراکنشی است و تفسیر تربیتی را صورت‌بندی جدید از دانش تعلیم و تربیت و مسائل آن می‌داند؛ یعنی برخلاف دسته اول که تلاش می‌کنند دانش موجود را اسلامی کنند، این دسته تلاش می‌کنند حوزه معرفتی تعلیم و تربیت را بازسازی نمایند که در پی آن مسائل این حوزه نیز تغییر می‌کند. به‌دیگر سخن، براساس این دیدگاه در تفسیر تربیتی، موضوعات کاملاً جدیدی در تعلیم و تربیت مطرح می‌شود که پیش از این و در ادبیات این رشته، به‌هیچ‌وجه وجود نداشته است و به‌واسطه نظریه‌پردازی در تفسیر تربیتی می‌توان از آنها سخن گفت. این دیدگاه در ادبیات این حوزه، مطرح نشده و مورد غفلت واقع شده است.

روش: افزون بر هدف و مسائل روش، عامل سومی است که در تلقی تفسیر تربیتی به‌مثابه رشته علمی باید بررسی شود؛ یعنی روش‌هایی که پژوهشگران در یک دیسپلین به کمک آنها پژوهش و برای کشف و اثبات، از آنها استفاده می‌کنند. به عبارتی اینکه چگونه داده‌های مورد نیاز را به دست می‌آورند؟ این بحث در کتب مختلف تفسیر مطرح شده است. پیش از ورود به بحث باید افزود که این روش‌ها به‌طورکلی در تفسیر قرآن کریم مطرح هستند؛ ولی به‌واسطه اینکه تفسیر تربیتی هم در ذیل تفسیر قرآن است، این روش‌ها نیز می‌توانند به‌طور الهامی در تفسیر تربیتی به کار گرفته شوند. یکی از مباحث مطرح در تفسیر تربیتی، قواعد و ضوابط تفسیر است؛ یعنی، قواعد و ضوابطی که مفسر در روش مقبول خود به کار گرفته است که می‌توان به دو شیوه درون‌متنی و برون‌متنی اشاره کرد که شرح آن در طبقه‌بندی‌های پیشین اشاره شد.

بحث دیگر، روش‌های مختلفی است که در تفسیر قرآن به‌طور عام و در تفسیر تربیتی به‌طور خاص، مطرح است و همان‌طور که پیش از این اشاره شد، این روش‌ها اختصاص به تفسیر تربیتی ندارند؛ ولی در تفسیر تربیتی می‌توان از آنها به نحو الهامی بهره جست. در ادامه، این روش‌ها به اختصار بیان می‌شوند:

۱. روش تفسیر قرآن به قرآن: به این معنا که هر آیه‌ای به کمک آیات دیگر قرآن تفسیر شود (مؤدب، ۱۳۸۵)؛ از این‌رو می‌توان آیات تربیتی قرآن را با دیگر آیاتی که بیان‌کننده مضمون آن آیه است تفسیر کرد؛

۲. روش تفسیر روایی یا منهج اثری: منظور از «اثر» روایاتی است که حاکی از قول، فعل و تقریر معصوم علیه السلام باشد. به این معنا که تفسیر تربیتی قرآن، با روایات صحیح و قطعی صورت پذیرد (علوی مهر، ۱۳۸۹). در این مورد می‌توان برای تفسیر تربیتی قرآن، به روایات و احادیث مراجعه نمود؛

۳. تفسیر عقلی به معنای آن است که مفسر با استفاده از درک و فهم سلیم، به تفکر و تدبر در قرآن و فهم معنای آیات و تفسیر آن پردازد (همان)؛
۴. روش تفسیر اجتهادی یا جامع: که از جمله مهم‌ترین روش‌های تفسیر است و به معنای استنباط و فهم معارف و احکام قرآن با استفاده از منابعی مانند آیات دیگر، قرآن، روایات، قرائن عقلی، لغت، و... با داشتن صلاحیت برای تفسیر است (علوی مهر، ۱۳۸۹، ص ۱۹۵).
- برای تفسیر تربیتی می‌توان به‌طور جامع از چند منبع گوناگون مثلاً قرآن، روایات، و... استفاده کرد.



شکل ۲: گونه‌شناسی جامع و شمول‌گرایانه از تفسیر تربیتی: منظری متفاوت و جدید

بحث و نتیجه‌گیری

اگر موضوع تفسیر تربیتی را به‌طور مستقیم به دو قلمرو علوم تربیتی و نیز علوم اسلامی مرتبط بدانیم، توجه به این موضوع، به بالندگی و رشد علوم تربیتی اسلامی در جامعه منجر می‌شود و پرداخت جدی به نظریه‌پردازی به‌عنوان مهم‌ترین وسیله برای تولید علم دینی، می‌تواند به رشد و

تحولات چشمگیر در این حوزه‌ها منجر شود. دو نظام حوزه علوم اسلامی و دانشگاه، مرتبط با موضوع تفسیر تربیتی هستند و در این صورت نتایج حاصل از این پژوهش برای این نظام‌ها یاری‌دهنده است. دانشگاه از حیث توجه جدی‌تر و علمی به موضوعی با صبغه اسلامی با غایت نظریه‌پردازی و حوزه علوم اسلامی از حیث توجه به یکی از موضوعات دینی که بستر رشد تعالیم اسلامی را فراهم می‌کند.

افزون‌براین، می‌توان نتایج پژوهش پیش رو را هم در حوزه پژوهش و نیز آموزش مفید ارزیابی کرد. برای مثال، در حوزه پژوهش استادان بی‌شمار دانشگاهی و حوزوی و نیز دانشجویان، طلاب و علاقه‌مندان می‌توانند با شناختی بهتر از انواع تفسیر تربیتی و ترسیم غایت آن، برای انجام پژوهش‌هایشان از دستاوردهای این نوشتار استفاده کنند و با بهره‌گیری از خطوط کلی این پژوهش مانند توجه به معیارها، تأکید بر وضعیت‌های جدید در کنار توجه به اوضاع موجود و تأکید بر افق‌های تازه، از اهمیت نظریه‌پردازی به‌عنوان غایت تفسیر تربیتی غافل نمانند. همچنین، کسانی که درباره ابعاد مختلف تفسیر تربیتی مطالعه می‌کنند، می‌توانند در پژوهش‌های خود از گونه‌شناسی این پژوهش بهره‌مند شوند و آن را نقد و ارزیابی کنند. در حوزه آموزش نیز می‌توان برای دروس مرتبط با موضوع تفسیر تربیتی که هم اکنون در برخی مراکز دانشگاهی و حوزه‌های علوم اسلامی تدریس می‌شود، چاره‌جویی و اندیشه کرد.

به‌عنوان یکی از نتایج مهم این پژوهش، باید به قابلیت‌های گسترده و وسیع تفسیر تربیتی در قالب یک رشته علمی اشاره کرد. قلمداد نمودن تفسیر تربیتی به‌مثابه یک دیسپلین، ابعاد، جوانب، افق‌ها، کارکردها و جایگاه متمایزی برای آن ترسیم می‌کند؛ از جمله مزایای نگاه دیسپلینی به تفسیر تربیتی آن است که می‌توان برای این رشته علمی، حدود و ثغور معین نمود. این امر تصویر روشنی از چیستی تفسیر تربیتی به دست می‌دهد و دیگر اینکه خلأها و کمبودهای آن را مشخص کرده و بیان‌کننده این است که چه کارهایی انجام شده و چه کارهایی انجام نشده است، به چه مسائلی توجه شده و چه مسائلی مورد بی‌مهری قرار گرفته است. افزون‌براین، با معرفی این پدیده به‌عنوان یک رشته علمی و تعیین قلمروها و مرزهای آن، می‌توان با دیگر حوزه‌های علمی ارتباط بهتری برقرار کرد. مسئله‌یابی پژوهشی نیز مستلزم این است که درک نظام‌مند، پذیرفته‌شده و دقیق از حوزه وجود داشته باشد (امین‌خندقی، ۱۳۸۹)؛ بنابراین، معرفی تفسیر تربیتی به‌عنوان یک رشته علمی، فواید و آثار بی‌شماری به همراه دارد که در این پژوهش طرح اولیه آن مطرح شد؛ البته باید اشاره کرد که در تلقی تفسیر تربیتی به‌عنوان یک رشته علمی، مباحث و موضوعات بسیاری مانند ماهیت دیسپلین تفسیر تربیتی و یا تبیین رابطه رشته تفسیر تربیتی با دیگر دیسپلین‌ها و نیز مباحث

دیگری قابل طرح است؛ ولی در این پژوهش، صرفاً براساس معیارهای حداقلی دیسیپلین، به معرفی طبقه‌بندی و گونه‌شناسی تفسیر تربیتی به‌عنوان رشته علمی پرداخته شد.

به‌عنوان نکته پایانی باید افزود که این پژوهش قصد دارد اعلام کند که تولید علم ملهم از آموزه‌های دینی و شرایط بومی کشور، در حوزه علوم اسلامی و نیز علوم تربیتی اسلامی کم‌رنگ است و توجه پژوهشگران را به‌صورت جدی به نظریه‌پردازی دینی به‌طور عام و نظریه‌پردازی تربیتی به‌طور خاص به‌عنوان راه‌حلی برای برون‌رفت از این وضعیت جلب نماید؛ و تفسیر تربیتی به‌عنوان مدخلی برای رجوع روشمند و مولد به منابع دینی با تأکید بر نظریه‌پردازی تربیتی، پیشنهاد می‌شود. مقدمات چنین رجوع روشمندی، نیازمند شناسایی و پرداخت همه‌جانبه و دقیق به ابعاد این مسئله است. این پژوهش گامی در این راستا برداشته و مسیری را برای پژوهشگران این حوزه گشوده و امید است پژوهش‌ها در این موضوع ادامه پیدا کنند.



منابع

- احسانی، محمد و علی همت بناری (۱۳۸۷)، «روش‌شناسی تفسیر تربیتی قرآن»، قرآن و علم، س ۱، ش ۳، ص ۱-۱۵.
- اسعدی، علی (۱۳۹۴)، مدل روشی تفسیر تربیتی، رساله دکتری دانشکده الهیات، قم: دانشگاه قم.
- اسعدی، محمد و محمدباقر سعیدی‌روشن (۱۳۸۹)، آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- اعرافی، علیرضا (۱۳۹۳)، درآمدی بر تفسیر تربیتی، قم: مؤسسه اشراق و عرفان.
- امین‌خندقی، مقصود (۱۳۹۳)، سخنرانی ارائه شده با عنوان نسبت میان حدود و ثغور تعلیم و تربیت اسلامی با پژوهش‌های عملی و نظری، مشهد: جامعه‌المصطفی‌العالمیه مشهد.
- امین‌خندقی، مقصود (۱۳۸۹)، «تحلیلی بر میزان اهمیت و به کارگیری دستاوردهای علمی حوزه برنامه درسی در نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی: فرصت‌ها و تهدیدها»، مطالعات برنامه درسی، س ۵، ش ۱۹، ص ۱۳۹-۱۶۹.
- خیام، میترا (۱۳۸۹)، تبیین نظام تربیتی مبتنی بر سیره نظری و عملی پیامبر ﷺ، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه الزهراء.
- جلیلی، سیدهدایت (۱۳۸۷)، تفسیر موضوعی، چپستی، بنیان‌ها و پیش‌فرض‌ها، قم: بوستان کتاب.
- سجادی، سیدابراهیم (۱۳۷۸)، «شهید مطهری و دیدگاه‌های تربیتی قرآن»، پژوهش‌های قرآنی، س ۵، ش ۱۸، ص ۷۴-۱۱۷.
- شاکر، محمدکاظم (۱۳۸۱)، «ترمینولوژی مبانی و روش‌های تفسیر قرآن»، مقالات و بررسی‌ها، س ۳۵، دفتر ۷۲، ص ۱۳۹-۱۵۱.
- صالحی، سیدعباس (۱۳۸۸)، «تربیت اندیشی قرآنی»، پژوهش‌های قرآنی، س ۱۵، ش ۵۹-۶۰، ص ۴-۲۹.
- عطایی، خالد (۱۳۹۰)، اعجاز تربیتی قرآن کریم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآنی، تهران: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.
- علوی‌مهر، حسین (۱۳۸۹)، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، قم: اسوه.
- رضاداد، علیه (۱۳۸۸)، «روش‌های نوین در عرصه تفسیر قرآن کریم»، پژوهش دینی، ش ۱۹، ص ۱۰۳-۱۱۶.

رفیعی محمدی، ناصر (۱۳۸۶)، سیر تدوین و تطور تفسیر علمی قرآن، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
 کاظمی، ابوالفضل (۱۳۹۲)، جریان‌شناسی گرایش تربیتی در تفاسیر قرآن کریم، پایان‌نامه
 کارشناسی ارشد دانشکده الهیات، قم: دانشگاه قم.

مؤدب، سیدرضا (۱۳۸۵)، روش‌های تفسیر قرآن، قم: دانشگاه قم.

ناطق، غلامحسین (۱۳۸۷)، «قلمرو تفسیر تربیتی»، قرآن و علم، ش ۳، ص ۱-۱۲.

هاشمی علی‌آبادی، سیداحمد (۱۳۹۲)، «روش‌شناسی تفسیر تربیتی»، معارف، ش ۱۰۰، ص ۲.

Hongcai, W., (2007), "Education: a Discipline or a Field", *Frontiers of Education in China*, Vol. 2, Issue 1: 63-73.

King, A. & Brownell, J., (1966), *The Curriculum and Disciplines of Knowledge: A theory of Curriculum Practice*, New York: John Wiley & Sons.

